

تیر روز

روحانی: تقریباً به مرز مهار کرونا رسیدیم
مردم: ولی ما دقیقاً به مرز خط فقر رسیدیم، حتی زیرش!

مجلس دهم پایان یافت

دارکوب: ببینیم مجلس بعدی اهل شوخی هست یا کاسبی مارو کساد می‌کنن!

پلیس راهور: سفر نروید

مسافران: ما سفر برگشتیم، سفر از ما بر نمی‌گرده!

تولد بچه شیر سفید در باغ وحش هویزه پدر بچه شیر: هی به مادرش گفتم بچه رو این قدر باوایتکس نشور، بفر ما!

کشف صدها خودروی احتکار شده در پارکینگ های مختلف

صاحب پارکینگ ها:

مال خانوم د کتره بیه کهر فتن به جنگ کرونا، اینارو این جا پارک کردن!

شهر دار تهران: ما باید یاد بگیریم باز لزه زندگی کنیم

مردم: ما هم دوست داریم یاد بگیریم ولی ممکنه بهمون مهلت زنده موندن نده!

رئیس کل بانک مرکزی: وضعیت امروز بازارها در اقتصاد کشور مان حتماً سخت تر از مرداد و شهریور ۱۳۹۷ نیست

مردم: پس چرا ندگی ما حتماً از فروردین ۱۳۹۹ هم سخت تر شده؟!؟

تاج ویلموتس سر ما کلاه گذاشت

دارکوب: دم اونی که تونسته سر شما کلاه بندازه گرم واقعا!

فلاح پیشه، نماینده مجلس: برخی نمایندگان نمی دانند چه کاره هستند

برخی نمایندگان: مگه قرار نیست بریم تو اون سالن بزرگه چرت بز نیمو

«دوو چهار» بگیرم و سر ماه حقوق بدن بهمون!!

کله چغوقی

آق کمال سحری آماده می کند



آق کمال همه کاره و هیچ کاره

یژه چی زود ماهه مضمون تموم رفت! یعنی موهنوز یادمه که روز آخر ناهار چی خوردم. از اول ماه دلم بری کامیلیا خانم مسوخت، طفلی سر کار و پخت افطار و سحری و هونوز نخوابیده باز باید مرفت سر کار. یک روز گفتم از فردا سحری با مو. از مواصر او از اونکار تا بالاخره قبول کرد. شب ساعتی کوک کردم که زودتر و خرم غذا ره گرم کنم. اجیر رفتم تو آشپزخانه، دیدم غذایی در کار نیست. یگهو یادم آمد باید قبل از خواب پلوپز ره مزدم! حالا هول هولکی برنجاره ریختم تو قابلمه و زبر شه زیاد کردم اقلا کته بشه با نیمرو بخورم که عیال آمد بالای سرم! با عصبانیت از تو فریزر یک بسته دلمه در آوردو گرم کرد. بری اولین شب آبروم رفت. فرداش باز م اصرار کردم و عیال به زور قبول کرد. ای دفعه پلوره دم کردم و ساعتی کوک کردم و خوابیدم. دیدم عیال دره تکونم مده که پاشو اذونه! انا حالا خوب رفت! نفهمیده بودم تو خواب چی جوری ساعت ره قطع کرده بودم و عیال دو دقیقه به اذون ورخاسته بود و عصبانی مور به بیدار کرده بود تا اقلا یک قورت آب بخورم. فرداش عیال گفت: عمر ادیگه بذارم تو کار یکنی، یک عمره خودم دارم سحری در ست می کنم و خواب نموندیم، دو شبه توداری خراب می کنی! اوه واسم آیه که اصلا تا سحر نمخوابم تا بالاخره تیگ سحری بهت بدم.

خلاصه بیدار موندم و غذا ره سر شب درست کردم و میزرم چیندم و حاضر و آماده، نیم ساعت مانده به اذون عیال ره با افتخار بیدار کردم که بفر ماین سحری. با تردید ساعت نگاه کردو آمد نشست و تلویزیون رم مثل هر شب روشن کردم. هم کفگیر ره که زدم تو غذا، دیدم دعای سحر ره گذاشتن و گفت ده دقیقه به اذان مانده! بیه ماره میگی، واچرتیدم. عیال داشت از عصبانیت منفجر مشد. با عجله غذا خوردم تا اذونه نگفتن که مجریه هراسون آمد گفت ببخش اشتباه فته، هنوز وقت هست تا اذون! از تیگ طرف عصبانی، از تیگ طرف خوشحال، از تیگ طرف در حال دل درد که با سرعت غذا خوردم، از تیگ طرف هم عیال چشم غره مرفت که خدا به جونت رحم کرد! یعنی اتفاقی افتاد که تو تاریخ تلویزیون سابقه نداشت تا آبروی موره!

این روزها همه بورس باز شده اند، شما چطور؟!



کار نویسند: طر اوانیکسی

سوژه روز

تزیق نشاط به صورت آنلاین

لیگ رو ادامه بدن در طول تاریخ فوتبال جهان بی نظیره. **دومی:** گفتم به مقداری! به عنوان مثال بازی ها باید آنلاین باشه، که خب ممکنه گاهی، به صورت اتفاقی، بر فرض محال، خدای نکرده، برای لحظه ای سرعت کمی کند بشه و مثلاً بازیکن شوت بزنه ولی به خاطر اختلال جزئی خطوط، توپ یک ساعتی روی هوا بپونه و مثل کارتون فوتبالیست بعد از نود دقیقه برسه به دروازه تیم حریف، یا خدای نکرده پای دلال ها به این مدل بازی هم باز بشه و گیم حرفه ای استخدام کنن برای تیم ها یا حتی داور بازی رو هم کنن تا به نفع بگیره!

دومی: البته نشاط آورهای دیگه هم هست، سرمایه گذاری توی بورس، دور دور کردن با ماشین های صدها میلیونی یا نشستن پای تلویزیون و لذت بردن از سریال های جذابش! ولی این کار نیاز به زیر ساخت ها و مقدماتی داره که ممکنه یک مقدار پیش رو مانداشته باشیم.

اولی: سیاه نمایی نکن، امکان نداره همچین چیزی.

فال روز
ای صاحب فال، آیا حس می کنی خوابت برده و از قافله جا مانده ای؟ یا به حساب و کتاب خودت و حتی چشم هایت شک کرده ای؟ یا این احساس را داری که همه در همه جا سرت کلاه می گذارند؟ تنرس! چیز خاصی نیست، فقط قیمت ها کمی بالا رفته. البته از «کمی»، یک کمی بیشتر است و ادامه هم دارد!
پس وقتی برای خرید می روی به قیمت ها شک نکن و فاکتور را چند بار با تعجب نبین و سعی کن به این وضع عادت کنی!

شعر روز
مترو و مسائش!
همه چی هست داخل مترو
ترس دارد مسائل مترو
فال و تعمیر کفش و سلمانی
پر تنوع؛ مشاغل مترو
بارها در مسیر خود خوردم
ساندویچ فلافل مترو
دیدم مردم های جنتلمن
بین افراد جاهل مترو
می شود گفت و گوی تان مشکل
گر ندارید تافل مترو!
مثل یک گور دسته جمعی هست
گاهی اوقات تونل مترو
شعر ما گر چه شعر خوبی بود
منتها نیست قابل مترو!
امیر حسین خوش حال

ما و قرنطینه
هر شب و هر روز در آدینه ایم
خانه نشینیم و پر از پینه ایم
دور ز آرایش و سلمانی و
دست به قیچی بر آینه ایم
گر چه غم ورنج فراوان شده
شکر گز آریم که وا کسینه ایم
موج گرانی تقسیم را گرفت
ما همه راضی به دو خاگینه ایم
چک که نشد پاس و ما همچنان
لنگ همین مبلغ نقدینه ایم
از غم بیارانه و قطعی آن
گر چه پر از غصه دیرینه ایم
دلخوش و امید و همان مبلغش
غرق عملگرده کابینه ایم!
گر چه ز تاریخ فراری شدیم
گیر همان دانش دیرینه ایم:
ما خودمان مردم یک دوره و
سلسله با نام قرنطینه ایم!
بهار نژاد

دیفال ارسال

اکازیون واقعی، شکار!

نوع: کم کار
قیمت: ۳۵ میلیون تومان

توضیحات:
همان طور که در عکس می بینین بسیار کم کار بوده، در حد نو، بدون خوردگی، بدون رنگ، یک سال بیمه و شش سال تخفیف، شیشه دودی، پلاک رند، کلیه لوازم خارجی، روکش صندلی ها فابریک، آرم جلو اورجینال جفت برف پاک کن چراغ ها سالم... ای بابا، این آگهی رو وقتی فرستادم قیمتش این قدر بود، عمرا الان به این مفتی بدم! امان از این بازار و سرعت نت... رنگ نزن آقا، نمی فروشم!

فتو کاتور

آذری جهرمی: دکتر من خودم متخصص سورپرایزم باز شما منو سورپرایز کردین؟
جهانگیری: مهندس سورپرایز نیست، بیهسته ماسکه بلکه استفاده کنی ازش!

حالا که سینماها تعطیله این خاک های صحنه رو جمع کنیم، به دردمشاقان هنرمی خوره!

نایان عرصه ارتباطات و فنا

شکار به مدت ۵ سال در جنگل های شمال کشور ممنوع شد

پنج سال دندون رو جیگر بخارین، تا اون وقت توله ما هم بزرگ و پرواری شدن!

کار نویسند: جواد تاجو